فهرست مطالب

[احتمال تأثیر در امربه‌معروف و نهی از منکر 2](#_Toc495480815)

[احتمالات تأثیر در امربه‌معروف و نهی از منکر 2](#_Toc495480816)

[اثر معکوس در وعظ و موعظه افراد 3](#_Toc495480817)

[احتمالات عدم تأثیر معکوس در امربه‌معروف و نهی از منکر 3](#_Toc495480818)

[شرط تأثیر مثبت و عدم تأثیر معکوس 4](#_Toc495480819)

[تقسیمات شرع از نگاه عقلا 5](#_Toc495480820)

[مطلقات لفظ و مقید لبّی 5](#_Toc495480821)

[عدم علم و اطمینان به عدم تأثیر در امربه‌معروف و نهی از منکر 6](#_Toc495480822)

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل تأثیر در تربیت**

# احتمال تأثیر در امربه‌معروف و نهی از منکر

اصل دوم احتمال تأثیر است، ممکن است گفته شود همه توصیه‌هایی که در مباحث تربیتی و تعلیمی شده است، مشروط به احتمال تأثیر است، مبحث احتمال تأثیر یک ادبیات فقهی سابقه‌دار هست که در کتاب امربه‌معروف و نهی از منکر ذکرشده که سابقاً بحث شد.

# احتمالات تأثیر در امربه‌معروف و نهی از منکر

هفت احتمال در اینجا قابل‌تصور است:

1 – کاربرد و اقدامات تربیتی مشروط به علم به تأثیر است.

2 – مشروط به علم یا اطمینان به تأثیر است.

3 – مشروط به علم یا اطمینان و یا ظن معتبر بر تأثیر باشد.

4 – مشروط به علم یا اطمینان یا ظن معتبر یا ظن غیر معتبر بر تأثیر باشد.

5 – مشروط به علم یا اطمینان یا ظن معتبر یا ظن غیر معتبر یا احتمالاتی که در حد مساوی باشد، بر تأثیر داده شود.

6 - مشروط به علم یا اطمینان یا ظن معتبر یا ظن غیر معتبر یا احتمالاتی که در حد مساوی باشد، یا احتمال مرجوح عقلایی بر تأثیر باشد.

7 - مشروط به علم یا اطمینان یا ظن معتبر یا ظن غیر معتبر یا احتمالاتی که در حد مساوی باشد، یا احتمال مرجوح عقلایی یا احتمال مرجوح غیر معتنی‌به بر تأثیر باشد.

8 - اینکه اصلاً مشروط به احتمال به تأثیر نیست، امربه‌معروف و نهی از منکر، یا ارشاد یا وضع یا نصیحت یا تربیت فرزند، مشروط به این‌ها نیست، شخص باید به وظیفه‌اش عمل کند که در اینجا وجوب مطلق است.

در احتمال اول اقدام به فعالیت تربیتی مشروط به این است که شخص بداند اثر می‌گذارد، لذا همه حالات بعدی تکلیف ندارد، اما در احتمال هفتم دایره تکلیف خیلی وسیع است، مشروط به این است که یقین به عدم تأثیر نداشته باشیم، اگر شخص یقین به عدم تأثیر داشته باشد، تکلیفی بر او نیست، اگر شخص احتمال بدهد، ولو احتمال ضعیف، یا احتمال قوی یا احتمال مساوی یا ظن معتبر، یا ظن غیر معتبر یا اطمینان، در همه حالات شخص تکلیف دارد.

چیزی که در باب امربه‌معروف و نهی از منکر مشهور است، مشروط به احتمال تأثیر است، مشهور به بند ششم نزدیک است، ظاهرش احتمال عقلایی تأثیر است که مرجوح را در برمی‌گیرد، البته مرجوحی که معتنی به باشد.

# اثر معکوس در وعظ و موعظه افراد

اقداماتی که برای اصلاح و تغییر در دیگران انجام می‌شود، گاهی اثر معکوس دارد، گاهی اوقات با تمام شوق و رغبت شخص اقدام به تربیت فرزند می‌کند، اما نتیجه برعکس می‌شود، شخص می‌داند گفتن او یا اقدام او تأثیر ندارد و گاهی حتی تأثیر ضد و عکس دارد، اینکه برخی شیوه‌های امربه‌معروف رعایت نمی‌شود و یک نوع امتناع و سرباززدن در طرف مقابل را تولید می‌کند.

ممکن است گفته شود که امربه‌معروف و نهی از منکر، یا هر چیز دیگر از قبیل آن از فعالیت‌های تعلیمی و تربیتی، مشروط به احتمال تأثیر نیست.

ممکن است گفته شود که تکالیف تربیتی مشروط به احتمال تأثیر نیستند، بلکه مشروط به عدم تأثیر معکوس است، مشروط به این است که شخص بداند، یا احتمال بدهد که تأثیر معکوس نمی‌گذارد.

احتمالات در شرط عدم تأثیر معکوس هم تکرار می‌شود.

# احتمالات عدم تأثیر معکوس در امربه‌معروف و نهی از منکر

فعالیت تربیتی پدر، مادر، خانواده و عموم جامعه در هر بُعدی از ابعاد تعلیم و تربیتی مشروط به چند چیز است:

1 – علم به عدم تأثیر معکوس، باید شخص یقین داشته باشد که تأثیر منفی نمی‌گذارد.

2 – علم یا اطمینان به عدم تأثیر منفی

3 – علم یا اطمینان یا ظن معتبر به عدم تأثیر منفی

4 – علم یا اطمینان یا ظن معتبر یا ظن غیر معتبر به عدم تأثیر منفی

5 – علم یا اطمینان یا ظن معتبر یا ظن غیر معتبر و یا احتمال مساوی به عدم تأثیر منفی

6 – علم یا اطمینان یا ظن معتبر یا ظن غیر معتبر یا احتمال مساوی و یا احتمال مرجوح عقلایی به عدم تأثیر منفی

7 - علم یا اطمینان یا ظن معتبر یا ظن غیر معتبر یا احتمال مساوی و یا احتمال مرجوح عقلایی یا احتمال ولو غیر مرجوح به عدم تأثیر منفی

# شرط تأثیر مثبت و عدم تأثیر معکوس

در اینجا دو شرط قابل تصویر است، زمانی که گفته می‌شود تکلیف تربیتی مشروط به شرطی شد، دو شرط مطرح است:

1 – شرط تأثیر مثبت و احتمالات هفت‌گانه مذکور

2 – تکالیف تربیتی مشروط به عدم تأثیر منفی است

دومی بعد از اولی مطرح می‌شود، برای اینکه اگر شخصی بگوید علم به تأثیر لازم است، مشخص است که اگر تأثیر معکوس داشته باشد، تکلیفی برای آن شخص نیست، اما به خاطر اینکه تزاحم‌هایی میان این‌ها هست، لذا در دو جدول قرار داده شدند.

مبحث سوم که در مقام تصویر باید موردتوجه قرار بگیرد این است که تأثیری که برای فعالیت‌های تربیتی گفته می‌شود، ازلحاظ زمان تأثیر طیف دارد، گاهی تأثیر مثبت یا معکوس آنی و فوری است، گاهی فاصله زمانی دارد و گاهی هم مستقبل بعید است.

بنابراین تأثیر فعالیت تربیتی برای اشخاص مختلف، گاهی تأثیر فوری خواه اثر مثبت یا منفی است، گاهی تأثیر میان‌مدت است و گاهی تأثیر بلندمدت است.

بنابراین نوع تأثیر ازلحاظ بُرد زمانی به کوتاه‌مدت و میان‌مدت و بلندمدت تقسیم می‌شود.

بحث چهارم در تقسیمات این است که تأثیر مثبت و منفی گاهی در شخصی است که مخاطب امرونهی و وعظ قرار می‌گیرد و گاهی در پیرامون او و دیگران است، فرد مورد خطاب وعظ را می‌پذیرد، اما برای افراد اطرافش تأثیر منفی می‌گذارد، گاهی هم در شخص مورد خطاب تأثیر نمی‌گذارد، اما برای دیگران تأثیرگذار است.

بحث پنجم در تصویرات این است که کیفیت و نوع تأثیر متفاوت است، گاهی تأثیر مثبت یا منفی یک تأثیر آنی و زودگذر است، گاهی تأثیر ماندگار و پایدار است.

اولین دلیل حکم عقل در این نوع تکالیف است، تکالیفی که در شرع هستند، از نگاه عقلا به دو نوع تقسیم می‌شوند:

# تقسیمات شرع از نگاه عقلا

1 – تکالیفی که شکل تکلیف با قطع‌نظر از آثار مدنظر است، در عبادات و بخشی از معاملات به این صورت است، تکالیفی هستند که نتایج در تکلیف مدنظر نیست، به‌عبارت‌دیگر نتایج به خود مکلف سپرده نمی‌شود.

2 – تکالیفی است که همین‌که القاء به محاوره و مخاطب عرفی می‌شود، تلقی عرف این است که این تکالیف گره با نتایج اجتماعی خورده است، مسائل تربیتی و امربه‌معروف و نهی از منکر و سایر محورهای تربیتی قاعدتاً از نوع دوم است، به‌طور مثال وعظ برای این است که دیگران اصلاح بشوند.

تکالیف تعلیمی، تربیتی و امربه‌معروف و نهی از منکر و امثالهم، به نحوی در نوع دوم قرار می‌گیرند و ارتکاز عقلا همه این‌ها را حمل می‌کند بر اینکه به نتیجه‌ای برسند.

علی‌القاعده باید این‌طور خطابات را پذیرفت، برای اینکه با یک نتیجه‌ای در ارتباط است، اگر این مورد پذیرفته شود، حکم عقل این است که موعظه‌ای که شخص به آن مأمور شده، مشروط به‌نوعی تأثیر است.

عقلایی که مخاطب این خطابات تربیتی و تعلیمی هستند، تردیدی نمی‌کنند و اطمینان دارند که این تکالیف وقتی است که تأثیر داشته باشند، اگر تأثیری نباشد، تکلیفی وجود ندارد.

عقل وقتی مواجه با خطابات اجتماعی به این صورت می‌شود، خطاباتی مثل تعلیم، تربیت، امر، نهی و امثالهم، فوراً ذهن منصرف می‌شود به اینکه این‌ها رها و مطلق نیستند، بلکه یک قیدی دارند، از این لحاظ که باید اثری داشته باشند.

# مطلقات لفظ و مقید لبّی

مقید لبّی است که عقل می‌گوید کار بی‌خاصیت و بی‌نتیجه انجام نده.

دو مطلب در اینجا هست:

1 – مطلقات لفظی

2 – مقید لبّی

مقید لبّی لفظ نیست، آن‌طرف لفظ است، خطاب مطلق است و مقید لبّی این بیان را دارد که افراد کار بی‌نتیجه انجام ندهند، در دلیل لبّی قدر متقین اخذ می‌شود.

اولین نکته در این تقریر بعد از تمامیت و تقریر، این است که قدر متیقن از مقید لبّی این است که جایی که علم به عدم تأثیر است، با کمی ملاحظه امکان دارد اطمینان ملحق به علم بشود، جایی که شخص علم یا اطمینان که ازنظر عقلایی به‌منزله علم است، داشته باشد که این وعظ اثر نمی‌کند، قدر متیقن مقید لبّی است که در اینجا می‌گوید که این شخص تکلیفی ندارد.

# عدم علم و اطمینان به عدم تأثیر در امربه‌معروف و نهی از منکر

بنابراین تکلیف مشروط به علم به تأثیر نیست، مشروط به این است که علم یا اطمینان به عدم تأثیر نداشته باشد.

اینکه گفته شود حجت معتبر دارد، اما دو نفر شاهد عادل گفته‌اند: امربه‌معروف و نهی از منکر این شخص تأثیر نمی‌کند، اما شخص احتمال عقلایی می‌دهد که اثر بگذارد.

در مقید لبّی بیش از خروج یک مورد نیست و آن در هنگامی است که شخص یقین عدم تأثیر را دارد.